رادیو و جوانان

صدای ما را از تهران می شنوید

امید رضایی

امروز - چهارم اردیبهشت - شصت و پنج سال از تأسیس رادیو ایران می گذرد .

رادیو در ایران فراز و نشیب های فراوانی داشته است که جای بررسی آن در صفحات دیگر است. در صفحه جوان امروز به سراغ شما آمده ایم تا ببینیم چقدر با این ابزار قدیمی ارتباطی ، در تماس هستید.

سهراب برای جواب دادن مکث نمی کند ، می گوید: «برو بابا ، حالت خوشه ها.»

او این جواب را در پاسخ پرسشی می دهد که از او می پرسم:

چند ساعت در روز رادیو گوش می دهی ؟

سهراب بیست و دو ساله است و این ترم که به پایان برسد اگر فوق قبول نشود باید برود خدمت. جوابی که سهراب می دهد را خیلی از هم سن و سال های ما به این پرسش می دهند چون به نظر می رسد آنها با رادیو بیگانه شده اند .

شاید هم حق داشته باشند. در زمانه ای که می توانی روبه روی تلویزیون بنشینی و با یک دستگاه کوچک ریموت کنترل ، تا نیه به تا نیه مهمان رنگ و نور و صدا در نقاط مختلف دنیا شوی چه کسی می آید دلش را خوش کند به یک جعبه کوچک که از تویش فقط صدا در می آید و قوه بینایی او را به کار نمی اندازد؟ مگر اینکه...

بگذارید مگر اینکه اش را کمی دیرتر جواب بدهیم.

همین جعبه ای که حالا جوان ها کمتر به سراغش می روند . روزگاری نه چنان دور تنها سرگرمی جوان های دوره خودش بوده است . به سراغ آقای مهدوی می روم که حالا بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی است و سنی تقریباً برابر با رادیو ایران دارد .

ما که سرگرمی دیگری نداشتیم. به محله بود وبه رادیو مارک آندریای خانه ما که آنقدر باید قربان صدقه اش می رفتی تا لامپش روشن می شد . ولی خداوکیلی صدا داشت . هر جایی که اراده کنی رو می گرفت. اون موقع ها برنامه های رادیو خیلی سرگرم کننده و آموزنده بود.

آقای مهدوی از دورانی یاد می کند که نمایش های رادیویی تنها دریچه ای بود که مردم را با عنصر درام یا چنانکه او می گوید با قصه های ماجراجویانه آشنا می کرد . همچنین در دورانی که چیزی به اسم CD و نوار و حتی صفحه وجود نداشت ، رادیو وسیله ای بود برای پیوند مردم با موسیقی. (شاید شما هم اسم برنامه های ارزشمندی مثل گلهای تازه، گلهای رنگارنگ و گلهای جاویدان را شنیده باشید که تهیه کنندگان آن پرچمداران بزرگ موسیقی اصیل ایرانی بوده اند .)

آقای مهدوی می گوید: اون موقع ها اگر رادیو داشتی یعنی چیز سرت می شد . یعنی می تونستی هر جایی که می شینی و پا می شی بگی توی رادیو شنیدم که این جوری یا اون جوری. حتی از نظر سیاسی هم رادیو خیلی مهم بود .

یعنی وقتی خدا بیامرز مصدق رو انداختن ، اولین کاری که کردن این بود که برن رادیو رو بگیرن . یعنی زاهدی هم اولین کاری که کرد ، نرفت سر وقت مصدق ، رفت باصطلاح رادیو رو گرفت که از اونجا به مردم بگه مصدق رو بردم، شاه رو برگردوندم.

برگردیم ؛ سراغ خودمان و در همین اردیبهشت ۸۴ سیر کنیم و چرخی بزنیم توی کوچه های تهران همراه با آقا رضای ۲۵ ساله.

آقا رضا راننده تاکسی است . یعنی آنطور که می گوید تاکسی مال پدرش است . خودش فوق دیپلم فنی دارد و از زور ناچاری آمده سراغ این کار . او حدود دوازده ساعت در روز کار می کند و عین دوازده ساعت را رادیو پیام گوش می دهد:

من دیگه همه چیز رادیو رو حفظم. حتی دیگه می تونم حدس بزنم که الان چه آگهیی رو پخش می کنن. همه گوینده ها رو به اسم می شناسم. بگن سلام، ایکی ثانیه واسط می گیم اسمش چیه، چی کاره اس. می تونه حرف بزنه یا نه...

او عاشق اجرای سهیل محمودی در رادیو پیام است و می گوید: من معمولاً شب ها کار نمی کنم، ولی شهیایی که سهیل محمودی برنامه داشته باشه رو استثنائاً می زنم بیرون.

از آقا رضا می پرسم:

چرا رادیو؟ چرا مثل خیلی های دیگر نوار نمی گذاری ؟ حالا که دیگه بازار cd player و changer هم گرمه...

آقا رضا می گوید: اونا دردسر داره. اولاً اینکه حوصله ات سر میره. دوازده ساعت بشینی پشت فرمون بعد همه اش به نفر بخواد بخونه، قاطی می کنی.

دوماً هم گفتم دردسر داره. یکی خوشش میاد، یکی خوشش نمیاد. غیرمجاز بذاری، بعضی ها بدشون میاد می زنن توی ذوق آدم می گن کمش کن، مجاز بذاری به جور دیگه. اول باید کمش کنی بعد هم ثابت کنی که به خدا مجازه ولی رادیو دیگه این دردسرها رو نداره.

هر کی اعتراض کرد می گم آقا رادیوبه. مال خودشونه. تازه اش هم اینکه دم به دم اخبار می گه، ترافیک رو میگه، آواز می ذاره، متنوع دیگه...

اما با این حال آقا رضا وقتی پایش به خانه می رسد، به سراغ رادیو نمی رود بلکه ترجیح می دهد بنشیند پای تلویزیون یا :

خدا بخواد این ماه، گوش شیطون کر باشه، کامپیوتر می خرم.

اما همین کامپیوتر که اسباب اولیه وصل شدن به اینترنت است خودش می تواند ابزاری باشد برای پیوند: با رادیوهای دنیا. اگر اهل وب گردی باشید به راحتی می توانید صد ها ایستگاه رادیویی ریز و درشت به زبان های مختلف پیدا کنید که برایتان برنامه پخش می کنند.

تعدد این سایت ها نشان می دهد که رادیو هنوز می تواند به عنوان یک وسیله ارتباطی مؤثر به کار گرفته شود وگرنه چه لزومی داشت که این همه رادیو در دنیا باشد.

وقتی در یک چت روم از یک دختر نوزده ساله ایرلندی همان سؤال اولیه ای که از سهراب پرسیدم را می پرسم او جواب می دهد:

من فقط رادیوهای جاز را گوش می دهم. چون عاشق جاز هستم.

شاید اگر ما هم رادیوهایی تا این حد تخصصی در کشورمان داشتیم، یا دست کم رادیویی که فقط مبتنی بر موسیقی این عنصر محبوب جوانان باشد، پاسخ سهراب هم تغییر می کرد . یکی از اشکالات رادیو در ایران این است که هیچ ایستگاهی برای پخش موسیقی به ویژه موسیقی پاپ نداریم و کسی نمی داند چرا مسؤولین هیچگاه کارکرد چنین رادیویی را کشف نکرده اند و هنوز نفهمیده اند که وجود چنین ایستگاهی که موسیقی درست پخش کند می تواند یک آنتی بادی باشد در مقابل صداهای ناخوشایندی که به اسم موسیقی از آن سوی آب می آید . شاید این همان «مگر اینکه» ای باشد که می خواستیم درباره اش حرف بزنیم.

برای پوشش خدادها و اتفاقات هیچ وسیله سریع تر، مطمئن تر و سهل تر از رادیو وجود ندارد . روزنامه و مجله چاپ و کاغذ می خواهند و تلویزیون دوربین و نور و امکانات ویژه. اما اگر در گوشه ای از شهر اتفاقی بیفتد بلافاصله یک خبرنگار می تواند به آنجا برود و رواینگر آن اتفاق باشد . از این منظر رادیو درست شبیه یک پزشک عمومی است که برای طبابت فقط به یک گوشی و یک دماسنج احتیاج دارد و اگر نتواند درمان کند آنگاه کار را به یک پزشک متخصص می سپارد که دستگاه های پیشرفته تر دارد .

برخورد اولیه با سهراب و بعدتر آقا رضا که هر دو از جوان های هم سن و سال خودمان هستند باعث شد تا یکی از خبرنگاران صفحه جوان را به سراغ سی و چهار نفر جوان بین ۱۶ تا ۲۶ سال بفرستیم و چند سؤال درباره رادیو از آنها بپرسیم. هیچ یک از آنها نمی دانستند که امسال شصت و پنجمین سالگرد تأسیس رادیو در ایران است .

حتی هشت نفر آنها فکر می کردند رادیو در زمان ناصرالدین شاه تأسیس شده است!

تقریباً سی نفر آنها اذعان می کردند که در یک ماه گذشته اصلاً رادیو گوش نداده اند و سی و دو نفر آنها نمی دانستند که در ایران چند ایستگاه رادیویی وجود دارد .

اما در کنار این پرسش ها دو سه پرسش غیرمرتبط با رادیو هم پرسیده بودیم که جالب است بدانید جواب های درست تری در پاسخ آنها گرفتیم.

از جمله اینکه بیست و پنج نفر می دانستند که نیکول کیدمن پیش از این همسر تام کروز بوده است .

بیست نفر می دانستند که پاپ جدید آلمانی است و فقط یک نفر نمی دانست که دیوید بکهام در رئال مادرید توپ می زند.

از سی و چهار جوان ۲۶ - ۱۶ سال پرسش هایی درباره رادیو و سه چهار پرسش بی ارتباط با آن پرسیدیم. عدد درج شده مقابل هر پرسش درصد پاسخ های درست را نشان می دهد:

۱- رادیو در ایران در چه سالی افتتاح شد ؟ صفر درصد
۲- رادیو در زمان حکومت چه شخصی شروع به پخش برنامه کرد؟ ۱۵ درصد
۳- در حال حاضر چند ایستگاه رادیویی در ایران وجود دارد؟ ۶ درصد
۴- در یک ماه گذشته چقدر به رادیو گوش داده اید؟ (۹۱ درصد گوش نداده اند)
۵- برنامه قصه شب چه ساعتی از رادیو پخش می شود؟ (۹۰ درصد)
۶- نیکول کیدمن پیش از این همسر چه کسی بود؟ (۷۶ درصد)
۷- پاپ جدید اهل کجاست؟ (۶۱ درصد)
۸- دیوید بکهام در کدام تیم توپ می زند؟ (۹۷ درصد)

از آلودگی صوتی چه می دانید؟

یکی این خروس را ساکت کند

* مینو ضابطیان
Minoozabetian83@yahoo.com

تلفن بی امان زنگ می زد، شدیداً عصبی شده بود. هر بار که تمرکز می کرد تا چند خطی بنویسد سروصداها امان نمی دادند و به قول معروف فعل و فاعل را پس و پیش می کرد. این مرتبه پرید و تلفن را قطع کرد. نفس راحتی کشید و دوباره شروع کرد. نوشته هایش را از اول خواند، چشمش به متن بود اما گوشش صدای تلویزیون را از اتاق کناری می شنید. با عصابیت در اتاق را به هم کوبید. اما فایده ای نداشت، سروصدای خیابان خیلی زیاد بود تصمیم گرفت گرما را تحمل کند و پنجره اتاقش را هم ببندد اما خنده دار بود! از درز این پنجره، پشه ها، رفت و آمد می کنند چه برسد به امواج صوتی! با دو دستش گوشهایش را گرفت، اما از آن جایی که دست سومی برای نوشتن نداشت، تسلیم شد و آن ها را رها کرد!

پنجره آشپزخانه خوشبختانه به کوچه خلوتی باز می شد تصمیم گرفت آن جا را برای نوشتن انتخاب کند ولی این مکان هم متعلق به یک زندگی مدرن وشهری بود و باید صدای وسایل وتجهیزات را تحمل می کرد آنقدر حساس شده بود که از صدای نفس خودش هم تنفر داشت. دهانش خشک بود و تپش قلب گرفته بود وخلاصه اینکه اصلاً نمی توانست روی نوشته هایش تمرکز داشته باشد.

الودگی صوتی چیست؟

بحث آلودگی بحث مفصلی است، سالهاست که در مورد آلودگی هوا و آلودگی آب و محیط زیست و خاک، مطالب بسیاری شنیده ایم. اما آلودگی جدیدتری که مجبور به تحمل آن هستیم «آلودگی صوتی» است.

همه ما به شکل های مختلف سروصدا را تحمل می کنیم. در بعضی شرایط خود ما منبع مولد این صدا و در برخی حالات قربانی آن هستیم. درست مانند افراد سیگاری و غیرسیگاری که هر دو از دود موجود در محیط آسیب می بینند. البته به طور حتم فردی که قربانی یک امر غیرارادی و ناخواسته است همیشه بیشتر آسیب می بیند.

متأسفانه بسیاری از ما فراموش می کنیم فضا و محیطی که در آن بسر می بریم متعلق به همه ماست و به فرد و گروه خاصی تعلق ندارد! گاهی اوقات با دیدن «آدم بزرگ های»! مشکل ساز و مولد صداهای ناهنجار خاطره سال های کودکی و حیاط مدرسه زنده می شود، بچه های زورگو و بی منطقی که فکر می کردند تمام حیاط متعلق به آن هاست و فضایی برای دانش آموزان به اصطلاح مظلوم تر در نظر نمی گرفتند! حال و روز آدم ها در زندگی اجتماعی هم به همین شیوه است. هر کدام ما در شرایطی مجبور هستیم سروصداهایی را ناخواسته تحمل کنیم چون اطرافیانمان یاد نگرفته اند که چگونه به هم احترام بگذارند!

سروصدا و سلامت انسان

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است که شلوغی و صداهای آزاردهنده می تواند روی سلامت انسان و نحوه رفتارهای او تأثیر بگذارد.

تحقیقات نشان داده است افرادی که در اطراف مراکز شلوغی چون فرودگاه ها یا ایستگاههای راه آهن و... زندگی می کنند، در مقایسه با سایرین به دفعات بیشتری دچار سردرد می شوند و احتمال بروز تصادفات کوچک در مورد آن ها بیشتر است. این افراد اعتیاد بیشتری به مصرف قرص های مسکن و خواب آور پیدا می کنند.

تفاوت آلودگی صوتی با سایر آلودگی ها

این آلودگی از جهات زیر با سایر آلودگی هایی چون هوا، آب، خاک و... فرق دارد.

۱- آلودگی صوتی گذراست به این معنا که وقتی منبع آلودگی از بین برود محیط از آسیب آن حفظ می شود. برای مثال یک ماشین زباله پرسروصدا که کارکنان آن با بی دقتی هنگام حمل زباله، آن ها را به اطراف پخش می کنند پس از ترک محل صدایی از خود بر جای نمی گذارند اما آلودگی ای که در محیط ایجاد می کنند باقی می ماند.

۲- سایر انواع آلودگی را می توان اندازه گیری کرد، گر چه در مورد صوت می توان هر صدا را به تنهایی اندازه گرفت اما سنجش و ارزیابی صدای کلی محیط کار مشکلی است. و تبیین میزان واقعی و آستانه خطر واقعی این آلودگی در مقایسه با سایر آلودگی ها سخت است.

۳- تعیین و تفسیر و توصیف شلوغی و صدای آزاردهنده کاملاً نسبی است. در حالیکه جوانی پرهیجان از صدای غرش موتوسیکلت یا لوله اگزوز دستکاری شده ماشینش لذت برده و به شور و وجد می آید شخص دیگری شدیداً آزار می بیند!

یکی از عوامل تعیین کننده آلوده بودن یا نبودن چیزی بسته به آن دارد که چه مقدار آن عامل به سلامت ما آسیب می رساند و از آنجایی که سروصدا عامل استرس و عامل بسیاری از بیماری های انسان است می توان گفت شلوغی و سروصدایی که باعث رنجش ما باشد، آلوده کننده محیط زندگی مان محسوب می شود.

عوامل تشدید کننده آلودگی یک صدا

«بلندی» یک صدا تنها یکی از اجزای تأثیرگذار آن بر انسان است. زمان، مکان مدت تأثیرپذیری، منبع مواد صوت، شرایط روحی شنونده و کنترل یا عدم کنترل او بر آن صدا خود می تواند صدایی را آزاردهنده یا روح افزا کند.

صدای بار نشدن یک بسته بیسکویت هرگز در گوشه ای از خیابانی شلوغ توجه ما را جلب نمی کند.

به عبارتی آن را نمی شنویم اما همین صدا اگر در کتابخانه ای خلوت یک هفته پیش از امتحان کنکور! در حالیکه شب را نخوابیده ایم و الآن ساعت ۲ بعد از ظهر است و... شنیده شود از صدای ناشی از هیجان آتش بازی چهارشنبه سوری و استفاده از انواع نارنجک ها، سیگارت ها، دینامیت ها، ترقه ها و... در میان خنده و هلهله جمعی جوان بلندتر و آزاردهنده تر به نظر می رسد!

واحد اندازه گیری صوت:

(dB) یا دسی بل واحدی است که در این مقاله زیاد به آن برخورد می کنیم و واحد اندازه گیری شدت صوت است. این واحد لگاریتمی است، به این معنا که ۲ برابر شدن شدت صوت به مفهوم ۲ برابر شدن واحد دسی بل نیست.

مفهوم بلندی یک صدا در گوش انسان، مفهومی نیست که مستقیماً به واحد دسی بل مرتبط باشد شدت صوت با مسافت هم نسبت عکس دارد. که این نسبت هم تابع ارتباطات عددی معمول نیست برای نمونه یک صدای ۱۰۰ دسی بلی در ۱۰ متر در مسافت ۲۰ متر db۹۴ می شود و در ۴۰ متری معادل ۸۸ دسی بل (۲ برابر شدن مسافت ۶ واحد شدت صوت را کم می کند) و...

سروصدا و دیدگاه روانشناسی:

تحقیقات نشان داده است که انسان های درون گرا در مقایسه با افراد برون گرا نسبت به سروصدا تحریک پذیرتر هستند و کوچکترین صداها می تواند آرامش درونی آن ها را به هم بزند.

در ضمن اینکه در زمان ناراحتی، افسردگی، نگرانی یا شرایط سخت عاطفی همچون طلاق، بیکاری، مرگ یک عزیز و... صداهای عادی تر فرد را زودتر به ستوه می آورند و آن ها را شلوغی قلمداد می کند.

تفاوت بین «صدا» و «سروصدا» چیست؟

واکنش ما در مقابل صداها یکسان نیست. همه ما هر روز صداهای مختلفی را در شرایط ومکان های متفاوت می شنویم که اگر آن صداها یا اموری که انجام می دهیم تداخل داشته باشد آن صدا در نظر ما شلوغی یا سروصدا می آید.

صدایی که برای یک فرد آزاردهنده است می تواند برای دیگری لذت بخش باشد. برای مثال یک زوج جوان روستایی، صبح ها مجبور بودند با صدای بانگ خروس از خواب بیدار شوند و این در حالی بود که خانم خانه با شنیدن صدای خروس با خوشحالی از خواب بیدار می شد و آقا پیش از بیدار شدن خروس، رختخواب را ترک می کرد تا مجبور نباشد با سروصدای او روز را شروع کند!

شلوغی و صدای بلند آسیب های بیش از آسیب گوش ایجاد می کند!

سروصدا علاوه بر مشکلات شنوایی، می تواند مشکلات قلبی- عروقی، تند شدن ضربان قلب، افزایش فشارخون، مشکلات گوارشی، کم شدن هوشیاری و پایین آمدن قدرت حافظه، عصبانیت، اتساع مردمک چشم و کم شدن دید را به وجود آورد.

همچنین یکی از مشکلاتی که در اثر سروصدا ایجاد می شود، به هم خوردن عادات خواب و بی خوابی است که در شهرهای بزرگ بسیاری از مردم با آن درگیر هستند.

شلوغی و بی خوابی

همه می دانیم که سروصدا و شلوغی در داشتن یک خواب خوب مانع بزرگی است و می تواند به راحتی آن را به هم زند، و به همین خاطر است که اکثر ما برای بیدار شدن از ساعت استفاده می کنیم که هر چه میزان خوابمان سنگین تر باشد تعداد ساعت ها یا صدای آن ها را بیشتر می کنیم!!

آلودگی صوتی باعث کاهش زمان خواب، یا افزایش تعداد دفعات بیدار شدن و به قول معروف از خواب پریدن می شود.

برای اینکه یک صدا بتواند شخصی را از خواب بی خواب کند! چند عامل مهم است.

۱- نوع صدا و آلودگی صوتی (مثلاً صدای یک بلبل یا صدای زوزو پشه!)

۲- تکرار آن (صدای زنگ زدن یک ساعت یا به صدا درآمدن ۵ ساعت هر کدام به فاصله ۵ دقیقه از دیگری)

۳- مدت آن (صدای ریخته شدن آب در یک لیوان یا صدای چکه کردن شیر آب به طور ممتد.)

۴- شدت آن (صدای نفس های عادی هم اتاقی در خوابگاه دانشجویی یا صدای خرویف شدید او)

۵- آستانه تحریک پذیری یک شخص (شخص با صدایی به شدت ۳۵ دسی بل بیدار می شود اما شخصی دیگر در ۹۰ دسی بل همچنان راحت می خوابد و خم به ابرو نمی آورد.)

۶- مراحل خواب، اینکه ما اول خوابمان باشیم یا عمیقاً خواب باشیم و هفت پادشاه را خواب ببینیم خیلی مهم است. قرار گرفتن شخص در مرحله عمیق خواب نیاز به شدت بیشتری از صوت برای بیدار شدن دارد.

- البته متغیرهای دیگری چون بالا رفتن سن هم مؤثر است. یک فرد جوان ممکن است به قول مادرش با صدای توپ و تانک هم بلند نشود اما یک پدربزرگ یا مادربزرگ با آهسته ترین صدای پای نوه مهج او را می گیرد!

- انگیزه برای بیدار شدن از خواب هم خود مهم است. روز کاری بیدار شدن و حضور در سر کار و کارت زدن آن هم ساعت ۸ صبح بسیار سخت تر از بیدار شدن از خواب در روز جمعه آن هم ساعت ۴/۵ صبح و حضور در کوهستان است.

- از طرف دیگر سازش با سروصدا هم فاکتور مهمی است بسیاری از مادران کودکان خود را با صدای رادیو و تلویزیون می خوابانند و تحریک پذیری او در مقابل صدا کم می شود. اما عده ای دیگر در زمان خواب کودک حتی در خانه قدم هم نمی زنند!

مقایسه شدت چند نوع صدا با یک دیگر:

- صداهای موجود در خانه ای ساکت نه آپارتمانی شلوغ ۲۰ db
- صدای صحبت معمولی ۴۰ db
- صدای زنگ تلفن ۶۰ db
- صدای هواکش سالم نه خراب!! ۷۵ db
- صدای حاصل از ترافیک سنگین ۱۰۰ db
- صدای ناشی از موتور هواپیما ۲۰۰-۱۰۰ db

این هم چند نکته:

- اگر کار شما به گونه ای است که باید صدایی با شدت ۷۵db را برای ۸ ساعت در روز تحمل کنید مراقب گوش های خود باشید و فکر اساسی کنید.

- در صورتیکه مایل هستید بدانید سروصدا چه تأثیراتی بر سیستم های مختلف بدن شما دارد به کتاب (noise and health) توسط (Thomas H Fay) مراجعه کنید.

- کشور سوئیس در حال حاضر تنها کشوری است که بهترین تکنولوژی را برای کاستن سروصدا از محیط به کار می گیرد.

- اگر مجبور هستید برای صحبت کردن با کسی که از شما دور است صدایتان را بلند کنید. آگاه باشید که به دست خود محیطی ساخته اید که سلامتتان را به مخاطره می اندازد.